**مواعظ العددیه - احادیث شماره 3823 و 3824**

ریشه همه مشکلاتی که به دست بشر به وجود می آید، یک چیز بیشتر نیست و آن جهل است؛ عدم بصیرت و عدم توجه به حقایق وحیانی. لذا توجه به معارف دینی و حقایق وحیانی راه درمان همه دردهای بشر است.

**حدیث شماره 3823**
در این حدیث پیامبر (ص) فضایل خودشان را چنین می شمارند:

1. اظهر الله تبارک و تعالی الاسلام علی یدی
اسلام به عنوان شریعت کامل و غیر قابل منسوخ و جامع و جاودانه به دست من آشکار شد ،

2. و انزل الفرقان علی
فرقان (به معنای قرآن) بر من نازل شد،

3. و فتح الکعبة علی یدی
فتح کعبه به دست من انجام شد،
معنای ظاهری فتح کعبه همان محاصره شهر مکه و تکبیرگویان وارد آن شدن است. اما این واقعه در کنار امور عظیمی مثل ظهور اسلام معانی بالاتری پیدا می کند! فتح کعبه صرفا یک عملیات جغرافیایی نیست، بلکه نصرتی است که هدایت بندگان به واسطه این فتح انجام می شود. وقتی شیطان امتی را هدف می گیرد، مرکز دینی و اجتماعی آن را هدف می گیرد. فساد جامعه به دلیل فساد خوبان است. فتح مکه صرف کشور گشایی نیست! اگر مردم این مسجد را رها کنند امت به بلا گرفتار خواهد شد.

خیلی ها توفیق پیدا می کنند به فقرا کمک کنند، اما توفیق پیدا نمی کنند مسجد بسازند، خیلی ها توفیق پیدا می کنند مسجد بسازند، اما توفیق ندارند که مسجدی بسازند که خروجی آن رونق دین باشد.

در روایات کلمه توفیق زیاد به کار رفته است. اما در قرآن یک الی دوبار بیشتر به کار نرفته است. اگر در روایات دنبال کنیم، قرآن این توقیق را به نصر و فتح تعبیر کرده است، هیچ کاری شروع نمی شود الا به نصرت الهی و هیچ کاری به نتیجه نمی رسد الا به فتح الهی. قرآن سه فتح برای پیامبر قائل است: فتح مکه، جنگ احزاب، نصرت به دست حضرت مهدی (ع) عبد در مسیر بندگی خدا به مقامی می رسد که خداوند کاری که می‌خواهد انجام دهد به دست این عبد انجام می دهد.

در قرآن کعبه به «قیاما للناس» تعبیر شده است، یعنی مردم به آن قائم هستند. طوفان نوح وقتی رخ داد که مردم حرمت این خانه را شکستند. فتح کعبه حیات بخشیدن به کل هستی است. احیاء کعبه از مهمترین امور است، و راس قیام حضرت حجت (ع) هم فتح کعبه است.

4. و فضلنی علی جمیع خلقه
من را بر جمیع خلق برتری داد،
انسان اشرف مخلوقات است، و اشرف انبیاء حضرت محمد (ص) است، و از مصادیق غلو این است که فرد کسی را از پیامبر (ص) بالاتر بداند.

5. و جعلنی فی الدنیا سید ولد آدم
من را در دنیا آقای فرزندان آدم قرار داد،

6. و فی الاخرة زین القیامة
من را زینت قیامت قرار داد،
زینت یعنی زیبایی. شرافت مجلس به اهل مجلس است، اوج زیبایی قیامت حضرت محمد (ص) است.

7. و حرم دخول الجنة علی الانبیاء حتی ادخلها انا
دخول در بهشت را بر پیامبران حرام کرد تا من داخل آن بشوم،
8. و حرمها علی اممهم حتی تدخلها امتی
و بهشت را بر امت انبیاء حرام کرد تا امت من داخل آن بشود،

9. و جعل الخلافة فی اهل بیتی من بعدی الی النفخ فیالصور
خداوند خلافت و وصایت را تا روز قیامت در ذریه من قرار داده است،
وراثت یک قانون حقیقی است. اگر پدر و مادری یک ژن برتری دارند، خصوصیات خوبی دارند، فرزند آن ها هم آن خصوصیات را خواهد داشت. امروزه قائل هستند که ملکات ذهنی و نفسانی هم جنبه ژنتیکی دارند. لذا مادر ائمه از یک زنان خاصی انتخاب می شد و این طور هم نبود که همه اولاد ائمه بتوانند به مقام امامت برسند.

و در آخر حدیث حضرت می فرمایند که هر کسی این مقامات را نپذیرد، کافر است.

**حدیث شماره 3824**

روزی پیامبر اکرم (س) رو کردند به امیرالمومنین(ع) و فرمودند تو را بشارت بدهم؟ سپس فرمودند: جبرییل این جا حاضر است و پیامی از طرف خداوند آورده است:
قد أعطی شیعتک و محبیک تسع خصال
خداوند به شیعیان و محبین تو نه خصلت عطا کرده است:
بعضی ها قائل اند که شیعه و محب یک معنا دارد، اما اگر دو کلمه [در روایتی] کنار هم قرار بگیرند، دو معنای متفاوت دارند. شیعه یعنی پیرو، یعنی کسی که محبتش صادق است و به عمل کشیده شده است. شیعه معنای خاص است، محب در درجه پایین تری است. اما بعضی معتقدند که اگر کسی محبت داشته باشد، حتما پیروی خواهد کرد.

این که می گویند اولادتان را به حب ما تربیت کنید و مجلستان را به محبت ما نورانی کنید، یعنی از فضایل امیرالمومنین(ع) بگویید. محبت امیرالمومنین(ع) را تحصیل کنید؛ انسان کاملی که محبت او محبت به خداست. از صدر اسلام محبین امیرالمومنین(ع) در مجالس می نشستند و فضایل ایشان را می گفتند. آن جایی که خدا می خواسته برای پیامبر خودش یک مجلس ویژه ترتیب بدهد، از فضایل امیرالمومنین(ع) گفته‌است. بزرگترین اهل معرفت از درک مقامات علی (ع) عاجز هستند. منافقین می گفتند که وقتی پیامبر (ص) از امیرالمومنین(ع) می گفت چشمانش مانند کسی می‌شد که هوش از سرش رفته است! متهم اول سکر ولایت امیرالمومنین(ع) پیامبر اکرم (ص) است! مجالس فضایل امیرالمومنین(ع) راه توفیق است. نهج البلاعه را نخوانید که راه زندگی پیدا کنید، نهج البلاغه را بخوانید که علی (ع) را بشناسید. در این حدیث می فرماید تشیع، دوستی و محبت حضرت علی بن ابی طالب (ع) هنگام مرگ و پس از آن 9 اثر دارد:

1. الرفق عندالموت
نرمی در هنگام مرگ
ملائک به واسط تقرب به خدا عقل محض هستند. عقل تغییر پذیر نیست. مدارا بردار نیست. اما در این حدیث می فرماید یکی از این ملائک مقرب (عزراییل) هنگامی که نزد مومن می رسد و می فهمد بوی علی (ع) می‌دهد، نرم می شود!

2. و الانس عند الوحشة
انس در هنگام وحشت
همان معنای حضور امیرالمومنین(ع) در کنار میت است.

3. و النور عند الظلمة
نور در هنگام ظلمت
«یا نور المستوحشین فی الظلم» یعنی هنگامی که شیعه امیرالمومنین(ع) را در قبر می گذارند، از تاریکی قبر به وحشت می افتد، اما نوری بر وی وارد می شود و وحشت وی را از بین می برد. آن نور، وجود مبارک امیرالمومنین(ع) است.

4. و الامن عند الفزع
امنیت در هنگام فزع
این هم مراتبی از مرگ و قبر است. کسی که می میرد و در قبر گذاشته می شود اتفاقات زیادی برایش می افتد.

5. و القسط عند المیزان
عدالت در هنگام محاسبه اعمال
یک معنا این است که عملی که با ولایت انجام شد، عادلانه پذیرفته خواهد شد. معنای دوم قسط مطلوب است.

6. و الجواز علی الصراط
جواز بر عبور از پل صراط
راهی است پر پیچ وخم که عبور از آن ممکن نیست، الا به ولایت امیرالمومنین(ع).

7. و دخول فی الجنه قبل سائر الناس
داخل شدن به بهشت قبل از دیگران
از عذاب و تاخیر و انتظار در قیامت در امان هستند.

8 و 9. و نورهم یسعی بین ایدیهم و بایمانهم
نورشان از پیش رو و از دست راستشان در حرکت است

منظور یا شرافت است، یا همان ولایت امیرالمومنین(ع) است که به درخشش در آمده است.

هفدهم تیر ماه ۹۷

مسجد جامع صفا